

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشگاه؛

مسئله چالشی درجه یک انقلاب و نظام

مقدمه:

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رمضان خود با دانشجویان ضمن بیان این که "دانشگاه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، یک مسئله چالشی درجه‌ی یک برای حضرت امام(ره) بود که نشانه آن تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی بود". در تبیین علل مسئله بودن و چالش درجه یک بودن دانشگاه را به وجود دو نگاه متضاد به دانشگاه یکی نگاه انقلاب و دیگری نگاه جریان واپسگرای ضدانقلاب دانسته و به طرح دغدغه های خویش از دانشگاه پرداختند.

مقام معظم رهبری دغدغه های خود نسبت به دانشگاه را در قالب سه پرسش مهم

مطرح فرمودند:

یک) چرا باید دغدغه دانشگاه را داشت؟

دو) این که دغدغه‌ی چه چیزی را باید در دانشگاه داشته باشیم؟

سه) چه کسانی در دانشگاه اقدام به هویت زدایی و ایدئولوژی زدایی می کنند.

معظم له در پاسخ به سوال اول به دو علت اشاره فرمودند:

اول: «برای این که آن جریان وابسته‌ی واپس‌گرای ضدانقلاب به ریشه‌های خارجی ارتباط داشت و آن ریشه‌ها هنوز وجود دارد و دارد حمایت میکند و آن جریان دارد حمایت میشود در داخل؛ آن جریان هنوز هست و فعال هم هست.»

دوم: «افزایش تأثیرگذاری دانشگاه بر روی کشور در مقایسه با تأثیرگذاری دانشگاه‌های اول انقلاب»

الف) تفاوت دو نگاه

نگاه انقلاب به دانشگاه	نگاه جریان واپس‌گرا و ضدانقلاب به دانشگاه
دانشگاه جایگاه نخبه‌پروری است: برای حل مسائل کشور، برای پیشرفت کشور، برای جبران عقب‌ماندگی‌های دویست سیصد ساله‌ی کشور؛	جایگاهی برای مهره‌سازی: برای اینکه یک عده از درون خود ملت کاری را انجام بدهند که آنها از بیرون میخواستند.
دانشگاه مرکز تولید علم، مرکز رشد علم است؛ برای اینکه بتوانند علم را پیش ببرند.	دانشگاه محلی برای سرکوب هر حرکت علمی نوآورانه است. دستان دانشگاه از تولید علم کوتاه باشد. دانشگاه تولید کننده «دانشمند

مصرفی» باشد یعنی آن کسی که مصرف کننده‌ی دانش غربی باشد، دانشگاه تولید کننده «جامعه‌ی مصرفی» باشد. یعنی همین دانشمندی تحصیل کرده‌ی مصرفی وقتی می‌آید در جامعه، یک جامعه‌ی مصرفی به وجود می‌آورد، تولید کننده بازار مصرف محصولات غربی.

دانشگاه باید جایگاهی برای دین‌زدایی باشد. برای دین‌زدایی از دانشگاه هر کاری که می‌توانستند کردند.

دانشگاه مرکز دینی باشد. برای این که جوان کشور وقتی می‌آید دانشگاه و چند سال در دانشگاه می‌ماند و بعد می‌آید بیرون، باید متدین بیاید بیرون، حتی متدین‌تر از وقتی که وارد دانشگاه شد.

مقام معظم رهبری در پاسخ به سوال دوم فرمودند: «به نظر من در درجه‌ی اول، هویت‌زدایی از دانشگاه و آرمان‌زدایی از دانشگاه است؛ آن چیزی که در درجه‌ی اول باید دغدغه‌اش را داشت و برایش نگران بود این است.»

پاسخ سوال سوم را معظم له به عهده مخاطبان گذاشتند و فرمودند: «حالا آن کسانی که هویت‌زدایی می‌کنند، آرمان‌زدایی می‌کنند، استقلال‌زدایی می‌کنند، چه کسانی هستند، چقدر هستند، چقدر موفق میشوند، بحث دیگری است؛ این بحث به عهده‌ی شما؛ بنشینید در جلسات تان اینها را بحث کنید، بررسی کنید، تحقیق کنید، پیدا کنید.»

ب) جریان شناسی مخالفان نظام در دانشگاه

در راستای پاسخ به این سوال به نظر می‌رسد سه جریان اصلی مخالف نظام اسلامی که در راستای ایدئولوژی زدایی، هویت زدایی و آرمان زدایی از دانشگاه فعال هستند:

یک) معاندین و گروهک های ضد انقلاب

اولین جریانی که از همان روزهای ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال ایدئولوژی زدایی از دانشگاه بود عوامل ضد انقلاب و گروهک های معاند شامل چپ گراهای مارکسیست، نوچپ های سوسیالیست، منافقین، التقاطیون چپ و راست و گروهک مرتجع سلطنت طلب بودند که به دلیل ناکامی در منحرف سازی انقلاب ملت ایران به سمت گرایشات سیاسی خود با حاکمیت اسلام ناب و نظام ولایت فقیه به مخالفت پرداخته و به براندازی آن روی آوردند. یکی از علل اصرار این جریان بر ایدئولوژی زدایی از جامعه و دانشگاه پیاده سازی نظریه براندازی بر اساس عملیات psb سازمان های اطلاعاتی غرب بود که فروپاشی

ایدئولوژیک هر نظام سیاسی را مقدمه ضروری سقوط فیزیکال آن تعریف می دانست. از منظر این جریان برای براندازی یک سیستم ایدئولوژیک کافی است تا نشان دهیم که این سیستم قادر به دفاع از ارزشهای سیستمی خود نیست.

ناگفته نماند که این جریان به دلیل کم وزنی در دانشگاه تلاش می کند تا هر گونه بدحجابی را نوعی اعتراض سیاسی جلوه داده و به امنیتی کردن هر نوع اعتراضات صنفی پردازد. لذا انگیزه زیادی برای رواج فرهنگ برهنگی و سبک زندگی غربی داشته و تلاش زیادی برای تشنج در محیط دانشگاه دارد. چنان چه ظرف روزهای نخستین بازگشایی دانشگاه ها اقدام به صدور بیانیه های تحریک آمیزی در چند دانشگاه اصلی کشور نموده و تلاش کردند تحرکاتی را رقم بزنند که خوشبختانه با استقبال مواجه نشد.

دو) غربگرایان و سکولارها

جریان بعدی که برای ایدئولوژی زدایی، هویت زدایی و آرمان زدایی از دانشگاه اسلامی تلاش می کند، روشنفکران غربزده و سکولاری می باشند که هر گونه اجرای احکام الهی را نقطه تعارض با تجدد و فرهنگ غربی می دانند. لذا تلاش می کنند تا آن دسته از دستورات شارع مقدس که مانند حجاب نمود اجتماعی دارند را کم رنگ، مباح و در واقع اسلام منهای شریعت و شریعت منهای روحانیت را ترویج می نمایند.

سه) افراطیون سیاسی

افراطیون سیاسی جریان دیگری هستند که دانشگاه اسلامی و با هویت ایرانی و انقلابی را بر نمی تابند. از نظر این عده حجاب نماد اسلامیت نظام تعریف شده و با کم رنگ سازی آن می توانند افراد بدپوشش و بدحجاب را معترض سیاسی قلمداد کرده و در واقع خواسته آنها در ولنگاری فرهنگی را نوعی تقابل با اسلامیت و تقویت جمهوریت معرفی نمایند. چنانچه با تبلیغ حجاب اختیاری مدعی هستند که اگر همه مردم خواستار امری مغایر با دستورات اسلام باشند، نظام جمهوری اسلامی به دلیل پای بندی به جمهوریت باید از اسلامیت عقب نشینی کنند.

ج) آسیب شناسی و ریشه یابی

بازگشایی دانشگاهها و حضور دانشجویان پس از شش ترم تعطیلی کرونایی ابعاد تازه ای از تاثیر جنگ نرم و شناختی دشمنان ملت ایران را به نمایش گذاشت که در قالب پوشش نامناسب دانشجویان و رفتارهای خارج از عرف آنها بروز و ظهور داشت به گونه ای که به گفته برخی اساتید و مدیران دانشگاه تاکنون چنین وضعیتی در دانشگاه مسبوق به سابقه نبوده است.

بدون تردید این وضعیت ریشه در عوامل گوناگونی دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- عوامل روانشناختی: براساس نظریه های روانشناختی معتبر شخصیت

اجتماعی افراد جامعه تابعی از نرم های شخصیتی ماندگار و ثابت می باشد تا بتواند شأنیت و منزلت اجتماعی خود را حفظ نماید اما آن دسته از افراد جامعه که از شاخصه های قابل قبول و دارای پایگاه های اجتماعی برخوردار نیستند تلاش می کنند تا با ظاهرسازی و متمایز نشان دادن خود به گونه ای خلأ شخصیتی خود را جبران و تولید شخصیت جعلی نماید.

۲- عوامل اقتصادی: بدون تردید مشکلات اقتصادی و معیشتی که مانع

دستیابی جوانان به راه های شرعی برای ارضاء تمایلات عاطفی و جنسی می باشد آنها را به انحرافات کشانده و این غرایز را از راه های غیر شرعی و نامتعارف و خلاف اخلاق و عرف جامعه جبران می کنند.

۳- عوامل فرهنگی: شاید یکی از معتبرترین عوامل وضعیت فرهنگی جامعه

و به تبع آن حجاب و عفاف در دانشگاه ها تابع نارسایی فرهنگی، فکری و اعتقادی ناشی از تهاجم فرهنگی دشمن و جنگ شناختی می باشد که در این خصوص فضای مجازی، تصاویر مستهجن، فیلم، سینما، کتاب، رمان و ... به عنوان عوامل اصلی شتاب دهنده ایفای نقش می کنند.

۴- عوامل جامعه شناختی: بیکاری، طلاق، فقر، اعتیاد، مصرف الکل،

پارتی های مختلط، خانه های مجردی، عوامل تحریک ساز جنسی، موانع ازدواج

آسان و جایگزین شدن ازدواج سفید و هم باشی، روابط ناسالم و بیرون از خانواده دختر و پسر، سهولت دسترسی به ابزارهای فسادانگیز و افزایش نرخ ارضاء غرائض جنسی که با برگزاری لایوها و فیلم های مستهجن روند روبه گسترشی را طی می کند.

۵- عوامل سیاسی: تاثیر امر سیاسی بر مقوله فرهنگ غیر قابل انکار بوده و پیوند انتخابات و رقابت های سیاسی با خواست عمومی سبب شده تا متأسفانه برخی از سیاستمداران برای جلب افکار عمومی و حفظ پایگاه اجتماعی، خود را مخالف هر گونه نظارت و کنترل معرفی نموده و با اتخاذ ژست روشنفکر مآبانه زمینه های ولنگاری و اباحه گری بیشتر را فراهم سازند که نمونه های بارز آن را در سالهای اخیر شاهد بوده و اینک پیامدهای منفی آن را مشاهده می کنیم. برای نمونه می توان به پذیرش مسئولیت گشت ارشاد توسط دولت ها اشاره کرد که در حال حاضر به سوژه ای مناسب برای کسب درآمد مدیران سینما تبدیل شده و برای ساخت شماره های یک، دو و سه آن به رقابت می پردازند.

۶- عوامل مدیریتی: علاوه بر موارد فوق آنچه مزید علت شده انفعال مسئولان امر فرهنگ، سیاستگذاران و مدیران صنعت فرهنگی کشور می باشد که بیانگر بی برنامهگی، فقدان راهکارهای مناسب، اراده لازم و اهتمام کافی نسبت به پیامدهای این وضعیت می باشد. نکته تأسف انگیز در این رابطه چالش های ذهنی

می باشند که شاید بزرگترین مانع چاره اندیشی در مقابله با این روند باشد. مهمترین تحلیل ها و برداشت های غلطی که ریشه این چالش ها را به خود اختصاص می دهند، عبارتند از:

یک) برخی معتقدند تا زمانی که مشکلات اقتصادی وجود دارد امکان رسیدگی به مسائل فرهنگی وجود ندارد. این عده برای اثبات نظر خود به انتخاب شعار سال استناد می کنند که بیش از ده سال به مباحث اقتصادی اختصاص یافته است. در حالیکه که از منظر امامین انقلاب اسلامی و شارع مقدس اسلام «فرهنگ» زیر بناست و مقام معظم رهبری بارها دغدغه خود را در این خصوص بیان فرموده و در مواردی تصریح داشتند که انتخاب موضوع اقتصادی برای شعار سال به معنای عدم توجه به مقوله فرهنگ نبوده و نیست. معظم له در مقابله با تحریم های اقتصادی اقدامات فرهنگی در اولویت قرار داده و تاکید کردند اگر بتوانیم دشمن را در جنگ روایت ها و تحریف شکست دهیم در تحریم های اقتصادی هم خواهیم توانست شکست را به دشمن تحمیل کنیم. علاوه بر این، مقام معظم رهبری در جمع کارگزاران نظام، فرمان «جهاد فرهنگی» را صادر فرموده و با حیاتی خواندن مسئله فرهنگ از مسئولان مراکز رسمی و فعالان فرهنگی کشور خواستند تا حقیقتاً، مجاهدانه، تلاش شبانه روزی، هوشمندانه و در جهت درست به مسئله حیاتی فرهنگ برسند و اهمیت بدهند.

دو) عده ای نیز الگوی ترکیه را مطرح کرده و مدعی اند فضای باز جامعه سبب خواهد شد تا مردم خودشان راه درست را انتخاب کرده و مضرات فرهنگی و ولنگاری را متوجه شوند. این در حالی است که نه تنها این گونه ادعاها پس از سالها عملاً نتیجه عکس داده بود و آمارهای میدانی نیز گواهی می دادند که تنها در یکسال ۲۵ درصد از چادری ها به ماتویی و ۴۵ درصد ماتویی ها دچار کم حجابی و بدحجابی شده اند، بلکه عقلاً نیز پذیرفتنی نیست که جنگ نرم دشمنان اسلام و ایران نتیجه ای جز این در بر داشته باشد.

سه) برخی از کارشناسان نیز با اقامه این دلیل که چالش فرهنگی، راهکار فرهنگی دارد نتیجه غلطی می گیرند که کوتاهی و غفلت از ابعاد این وضعیت را به همراه دارد. در حالیکه برخی دیگر از کارشناسان این امر معتقدند وضعیت فرهنگی جامعه بویژه دانشگاه ها جنبه سیاسی و حتی امنیتی به خود گرفته است و بدون ورود دستگاه های امنیتی و تخصیص بودجه های امنیتی روزه روز و خیم تر نیز خواهد شد. از این رو به نظر می رسد لازم است حافظان انقلاب اسلامی و نیروهای ولایی نظام به مسئله فرهنگ ورود کرده و با نگاه امنیتی و براندازانه به ارائه راهکارهای فرهنگی بپردازند تا پیش از آن که مجموعه دانشگاه های کشور دچار چالش امنیتی شوند تمهیدات پیشگیرانه صورت گیرد.

چهار) در خصوص چالش فرهنگی دانشگاه ها و وضعیت نابسامان حجاب و عفاف نیز این تصور غلط وجود دارد که دانشگاه هم تابعی از وضعیت فرهنگی

جامعه بوده و هر گونه تلاش و اصلاح در این محیط پیش از اصلاح جامعه بی فرجام و بی فایده می باشد. این در حالیست که حضرت امام(ره) معتقدند بود راه اصلاح جامعه از دانشگاه می گذرد و تحول جامعه به تحول دانشگاه بستگی دارد. این در حالیست که بی عملی و سکوت انفعالی مدیران فرهنگی کشور علاوه بر عوارض میدانی که بر وضعیت کشور دارد، به لحاظ نظری نیز شائبه جابجایی اولویت‌های فرهنگی و اقتصادی در نظام اسلامی ایجاد را کرده و حتی دانشجویان متدین و عقیف را دچار این ذهنیت نموده که نظام اسلامی این وضعیت را به رسمیت شناخته و او نیز باید با این شرایط کنار بیاید. روابط اجتماعی و رفتارهای دوستانه میان دختران کاملاً محجبه با دختران بی حجاب گواهی بر این مدعاست.

(د) پیامدهای ایدئولوژی زدایی از دانشگاه

- ۱- کاهش رشد علمی کشور به دلیل اشتغال ذهنی دانشجویان
- ۲- کاهش جایگاه و پایگاه اجتماعی دانشگاه متأثر از پوشش نامناسب و خارج از شئونات جامعه دانشگاهی
- ۳- گسترش فساد و فحشا به دلیل تأثیر گذاری دانشگاه بر جامعه
- ۴- تأثیر بر روابط اجتماعی و تحکیم خانواده
- ۵- تأثیر بر افزایش نگرانی خانواده ها از سلامت فرزندان خود

۶- تأثیر بر تربیت مؤثر و کارآمد

۷- تأثیر منفی به لحاظ شخصی بر روی آینده فرد در مسائلی مانند ادامه

تحصیلات، اشتغال، ازدواج و...

۸- کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی و انقلابی

۹- فروپاشی سیاسی به دلیل عدم توانایی سیستمی از ارزش‌های نظام

۱۰- کاهش اقتدار فرهنگی نظام و آسیب‌پذیری در مقابل تهاجم فرهنگی

دشمن

ه) پیشنهادات و راهکارهای مقابله

مهمترین سوال در این شرایط «چه باید کرد؟» می‌باشد. پرسشی که هر انسان

شریف و ایرانی غیرتمند و مسلمان دلسوز و فهیم بویژه مدیر فرهنگی و مسئول

یک نهاد و دستگاه دولتی با آن مواجه است. به نظر می‌رسد شکل‌های حاکمیتی

خاصه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه در جایگاه محوریت این امر

مهم قرار گرفته و می‌تواند با تعریف نقش‌های جدید برای هر یک از معاونین و

تشکل‌های دانشگاهی در جهت کاهش آسیب‌های فرهنگی اقداماتی را به عمل

آورد:

به نظر می رسد چند دسته برنامه و اقدام را می توان در دستور کار قرار داد که مهمترین آنها عبارتند از:

اول) راهکارهای تبیینی

۱. تبیین اهداف دشمن از آلوده سازی فضای اخلاقی جامعه و ایدئولوژی زدایی از دانشگاه
۲. ترویج گفتمان مقابله با فساد اخلاقی و فریضه امر به معروف از طریق حمایت قانونی و قضایی
۳. فعال سازی کرسی های نظریه پردازی با موضوع عفاف و حجاب
۴. پاسخ به شبهات دانشجویان در زمینه حجاب و عفاف اسلامی
۵. افزایش سواد رسانه جهت مواجهه با جنگ شناختی دشمن
۶. تهیه متون فرهنگی مناسب با استفاده از محتوای قرآنی و روایی
۷. برگزاری نشست های دانشجویی با حضور روانشناسان خبره در امر حجاب و عفاف
۸. استفاده از سامانه های آموزشی جهت ترویج فرهنگ حجاب و عفاف
۹. اطلاع رسانی به کلیه دانشجویان از نحوه پوشش و ضرورت اجرای آن از طرق مختلف

۱۰. استفاده از اندیشکده های سبک زندگی جهت ترویج فرهنگ حجاب

اسلامی

۱۱. تغییر نگرش دانشجویان به حجاب و عفاف با استفاده از ظرفیت اساتید

۱۲. تبیین الزامات فرهنگی پای بندی زنان به حجاب از طریق آموزش چشم

پوشی مردان و غیرتمندسازی آنها

۱۳. تبیین نقش اساتید بسیجی در جهت مقابله با چالش فرهنگی دانشگاه و

جامعه

۱۴. تبیین نقش مسئولیت استاد در قبال تربیت و فرهنگ اجتماعی دانشجوی

۱۵. تبیین ارتباط بین آموزش و پرورش و آموزش عالی

۱۶. صدور بیانیه نهضت استادی بسیج در حمایت از روسای دانشگاه های

فعال در امر فرهنگ و طرح انتظارات اساتید انقلابی

دوم) راهکارهای اجرایی

۱. ایجاد انسجام جهت برخورد هماهنگ مدیران دانشگاه اعم از روساء،

معاونان، گروهها و حراست ها با موضوع حجاب و عفاف

۲. انجام پروژه های تحقیقاتی در خصوص علل و ریشه یابی وضعیت

فرهنگی

۳. سوق دادن پایان نامه ها و تحقیق های کلاسی دانشجویان به سمت موضوع

حجاب و عفاف

۴. تئوریزه سازی فرهنگ اسلامی در دانشگاه و ارائه مدل نظری آن

۵. استخراج راهکارهای علمی نحوه مواجهه با چالش فرهنگی با استفاده از

نظرات کارشناسی اساتید علوم شناختی، رفتاری، اجتماعی و فرهنگی، روانشناس،

جامعه شناسی و الهیات

۶. هدایت پایان نامه های دانشجویی به موضوع حجاب و عفاف

۷. گنجاندن برنامه های فرهنگی اسلامی و انقلابی از طریق ظرفیت های

آموزشی

۸. تلاش برای بازگرداندن مرجعیت اندیشمندان اسلامی و معرفی آثار علمی

و اخلاقی بزرگانی مانند آیت الله جوادی آملی، مرحوم آیت الله مصباح یزدی و...

۹. ارائه الگوی زن تمدن ساز برای جامعه و دانشگاه

۱۰. چاپ کتب موثر در رابطه با فرهنگ و حجاب من جمله کتاب «الگوی

زن تمدن ساز» که در استان گلستان تهیه شده است.

۱۱. ارتباط چهره به چهره اساتید با دانشجویان از طریق حضور در خوابگاه

های پسران و دختران

۱۲. تشویق دانشجویان به نقد مطالب و کتاب هایی که علیه حجاب تدوین

شده در مقالات و پایان نامه ها

۱۳. توجه به اقدامات زیربنایی و معرفتی معارضان اسلام و انقلاب

۱۴. خنثی سازی تلاش جریان غرب گرا در ترویج اسلام منهای شریعت و شریعت منهای روحانیت.

۱۵. دفاع منطقی از احکام اسلامی که از نظر جریان غرب گرا در چالش با تجدد است.

۱۶. گنجاندن بحث فرهنگ و مقوله حجاب و عفاف در برنامه های طرح ولایت استادی

۱۷. تلاش و برنامه ریزی جهت تغییر رویکرد اساتید به حجاب و عفاف و پذیرش مسئولیت در قبال اوضاع فرهنگی جامعه

۱۸. ایجاد حساسیت در اساتید پیرامون رفتارهای هنجارشکنانه و پوشش نامناسب برخی دانشجویان که شان کلاس را رعایت نمی کنند.

۱۹. تعریف شاخص های دانشگاه اسلامی و پوشش مناسب شان و منزلت دانشگاه

۲۰. حفظ انسجام و ایجاد هم افزایی میان نهادهای فرهنگی در عین پذیرش مسئولیت محوری

۲۱. متناسب سازی مدیریت دانشگاه با توجه به تغییر جنسیتی در دانشجویان

۶۰ به ۴۰

۲۲. خروج اساتید بسیجی از رویکرد پدافندی به آفندی

۲۳. طرح مطالبه استادان بسیجی جهت تغییر رویکرد مدیریتی دانشگاه از علوم

پایه به علوم انسانی و اولویت بخشی به مسائل فرهنگی

دوم) پیشنهادات عملی

۱. اختصاص بخشی از بودجه فرهنگی دانشگاه ها به تبلیغ حجاب و ترویج

عفاف در قالب اقدامات اقناعی و هنری

۲. حمایت از حجاب و عفاف با پرداخت یارانه برای خرید چادر و پوشش

های مناسب

۳. تعریف پوشش مناسب با منزلت اجتماعی متناسب با شئون دانشگاه و

جامعه فرهیختگان

۴. طراحی و عرضه لباس های مناسب با شئون دانشگاهی از طریق بازارچه

های پوشاک و اختصاص یارانه دانشجویی

۵. طراحی و برنامه ریزی فرهنگی بر روی قشر خاکستری که عمده مخاطبان

را به خود اختصاص می دهند.

۶. ملزم سازی بانوان شاغل در دانشگاه ها شامل اساتید، کارمندان و ... به

رعایت قوانین شئون اسلامی

۷. تأکید بر قوانین و مقررات آئین نامه عفاف و حجاب در دانشگاه ها

۸. نصب الگوی پوشش مناسب با منزلت دانشگاه در اماکن عمومی

۹. حمایت از مدیران و روسای دانشگاه های فعال در زمینه فرهنگی

۱۰. تدوین برنامه مشخص، هوشمندانه و روشن جهت برخورد با مصادیق

هنجارشکن

۱۱. شناسایی و معرفی عوامل سازمان دهی شده ترویج فساد و بی بند و باری با

استفاده از ظرفیت حراست

۱۲. پیشنهاد لباس متحدالشکل (یونیفرم) برای دانشگاه های برتر مطابق با

دانشگاه های مطرح جهان جهت هویت بخشی به دانشگاه و دانشجو

۱۳. رفع دغدغه اساتید انقلابی از فرم های ارزیابی که احتمالاً از سوی مخالفان

حجاب و عفاف به شکل عامدانه در تخریب استادان

۱۴. استانداردسازی پوشش دانشجویان با اقتباس از پوشش دانشگاه های

مطرح جهان

۱۵. تفکیک جنسیتی بر اساس زمان بندی روزها

۱۶. دقت بیشتر به گزینش اساتید و ملحوظ داشتن ابعاد فرهنگی

۱۷. اولویت بخشی به تربیت در نظام آموزشی کشور

۱۸. بازنگری قوانین با رویکرد حمایت از حجاب بویژه اصلاح ماده یک

آیین نامه

۱۹. توجه به مراکزی که سبک زندگی غربی و فرهنگ برهنگی را به طور

ریشه ای به نوجوانان ایرانی آموزش می دهند که نمونه بارز آن برخی

آموزشگاه‌های زبان انگلیسی، برخی مهد کودک‌ها، برخی کلاس‌های هنری
بویژه رقص و موسیقی و... .

۲۰. بازنگری در مراکز مشاوره دانشگاه و بکارگیری مدیران دلسوز و

متخصص

۲۱. تقویت بخش امر به معروف دانشگاه از طریق انعقاد تفاهم‌نامه با ستاد امر به
معروف برای افزایش سطح آموزش، حمایت حقوقی و اخذ کارت ضابط قضایی
برای اعضای فعال

۲۲. وارد کردن حجاب و عفاف در محصولات فرهنگی جهت مقابله با تلاش
هنرمندان غربگرا (مانند اصغر فرهادی که اندیشه‌های سکولار را به سطح عوام
جامعه می‌کشاند).

۲۳. بروزرسانی قوانین دانشگاه متناسب با شرایط روز

۲۴. نقد فکری و نظری نظریه‌های مروج فرهنگ غرب و سکولاریستی مانند
نظریه ابهام معرفی کردن وحی، غیرمعصوم دانستن پیامبران، سلیقه‌ای معرفی کردن
پوشش در اسلام، بی‌ارتباط کردن دانستن حجاب با پیامبران، نظریه تفکیک میان
حجاب و عفاف، بی‌ارتباط کردن درون و برون، معرفی اخلاق به عنوان ریشه
مشکلات جامعه نه دین و متهم‌سازی متدینین به بی‌اخلاقی، مفسد نشان دادن
محجبه‌ها، غیرمفسد نشان دادن بی‌حجاب‌ها و...

۲۵. مقابله علمی با شخصیت‌هایی که در لباس روحانیت علیه حجاب در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند و آنرا محل اختلاف علما می‌دانند.